

"مورنینگ استار" ارگان حزب کمونیست انگلستان

## دولت ایدئولوژیک موریانه انقلاب اکتبر شد

بهروز بکتاشی

جوانب مثبت اتحادشوروی تا حد زیادی بر پدیده های منفی آن غلبه داشت. ما باید از سقوط سیستم سوسیالیستی سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۹۱ درسهایی را بیاموزیم. طبعاً سرچشمه مشکلات و ضعف های اتحاد شوروی ناشی از چند دهه قبل بود. از سال ۱۹۱۷ دولت جوان شوروی می بایستی برای ساختن سوسیالیسم در امپراتوری توسعه نیافته نیمه سرمایه داری و نیمه فئودالی تلاش کند. دولت جوان شوروی در صورتی این هدف را در پیش روی خود داشت که توسط قدرت های متخاصم کاپیتالیستی که با مداخله هجوم فاشیسم در سال ۱۹۴۱ و جنگ سرد از سال ۱۹۴۵ روبرو شد مقابله کند. اتحاد شوروی از همان ابتدا نیاز به صنعتی کردن کردن کشور و ایستادگی در برابر ضد انقلاب داشت. اما چیزی را که نمایان گردید عبارت بود از ساختار بوروکراتیک از بالا تا پایین که بطور فزاینده توده های زحمتکش را از تصمیم گیری و قدرت محروم کرد. تشکیلات حزب کمونیست با دستگاه دولتی یکی شد و نقش رهبری حزب در قانون اساسی کشور گنجانده شد. حزب انتصابات و سیاست ها را در تمامی سطوح دستگاه دولتی تعیین می کرد. حزب احتیاجی به فعالیت برای موضع خویش در بین کارگران و سازمان های طبقه کارگر در انتخابات نداشت. نتیجه این اشتباه رشد ماشین بوروکراتیک- سنترالیست شد که توسط هموارگران و سود جویان که بر مردم حکومت می کردند و با مردم نبودند بکار گرفته شد. نتیجه آن عبارت بود از اینکه وقتی سیستم در اتحاد شوروی شروع به تزلزل نمود توده های زحمتکش درصدد دفاع از سوسیالیسم برنیامدند و سوسیالیسم را بمثابه سیستم خود تلقی نکرده و از آن دفاع نمودند.

در بخش اقتصادی ترکیبی از آرمان گرایی، فداکاری و برنامه ریزی اقتصادی موجب رشد آهنگ اقتصادی دو برابر و حتی سه برابر از کشورهای پیشرفته کاپیتالیستی گردید، اما از اواخر دهه ۱۹۵۰ سطح رشد سرمایه گذاری شروع به کاهش نمود. آهنگ رشد تولید اقتصادی از سال ۱۹۶۰ تقلیل یافت. فاصله تکنولوژی بین اتحاد شوروی و کشورهای پیشرفته سرمایه داری افزایش یافت. مسائل پا به ای نظیر نوآوری، بکارگیری تکنولوژی نوین و ارتقای ثمره بخشی کار در جامعه انسانی بطور کامل حل نشد.

کمبودهای جدی در رابطه با مسائل حیاتی دموکراتیک وجود داشتند. توصیه لنین مبنی بر دفاع از ملیت های کوچک بدلیل ستم های تاریخی از جانب شوونیسم روسیه کبیر مورد بی اعتنائی قرار گرفت. حقوق دموکراتیک و احساسات ملی تعداد زیادی از ملیت ها توسط انتقال اجباری جمعیت و اراضی (مانند اخراج تاتارها از شبه جزیره کریمه به جمهوری های آسیائی اتحاد شوروی منجمله ازبکستان در دوران استالین مترجم) زیر پا گذاشته شد.

قوانین و اعلامیه های شوروی در رابطه با برابری جنسیت بطور کامل واقعیت را منعکس نمی کردند. زنان به مقیاس زیادی مشغول تحصیل و کار شدند، اما آنان از مسئولیت های بارداری برنامه ریزی نشده و کار خانگی آزاد نشدند. نسبتاً تناسب زیادی از زنان در مجامع پارلمانی به سطوح بالاتر ترقی نکرد. تقریباً تماماً مردان در راس حزب و رهبری دولت بودند. از این رو نیروی پویا بطور بالقوه برای دفاع از زنان هیچگاه بطور کامل بوجود نیامد.

رقم واقعی اعدام‌ها در اواخر دهه ۱۹۳۰ هزاران بود که این به اندازه کافی تکان دهنده است و توضیح و محکومیت را طلب می‌کند نه نفی و پنهانکاری را.

این لکه‌های سیاه در کارنامه پر افتخار کمونیسم در سراسر جهان توسط جنایت‌های کاپیتالیسم و امپریالیسم - بردگی و تجارت برده صنعتی سازی ددمنشانه سیستم امپراتوری جنگ جهانی و فاشیسم، دیکتاتوری نظامی، جوخه‌های مرگ، جدائی اجتماعی و ضلالت، بیکاری همگانی و گرسنگی جهان سوم-، تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

اتحاد شوروی جامعه نوین مدرن متمدن و چند ملیتی را به نمایش گذاشت که می‌توانست بر اساس اقتصاد برنامه‌ریزی شده و مالکیت عمومی بدون استثمار کاپیتالیستی بنا شود، اگر به اشتباهات، بموقع خود توجه شده بود.

راه توده ۱۵۴ ۲۹,۱۰,۲۰۰۷